

واژه نامهٔ شصت و هفت گویش ایرانی

دکتر صادق کیا

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه: کیا، محمدصادق، ۱۳۹۹-

عنوان و نام پدیدآور: واژه‌نامهٔ شصت و هفت گویش ایرانی/صادق کیا.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۹۴۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۵۰۹-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۸۹

موضوع: زبان‌های ایرانی — گویش‌ها -- واژه‌نامه‌ها
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۹۶۴/۵۰۹/۳۲۱۱ PIR

رده‌بندی دیویی: ۴۹۰/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۴۸۴۱۹



واژه‌نامهٔ شصت و هفت گویش ایرانی

مؤلف: دکتر صادق کیا

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع

امور فنی: امیر خرم

حروف چین و صفحه‌آرا: ناصر جعفری

طرح جلد: مجید اکبری کلی

اجرای جلد: اعظم صادقیان

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: اتحاد

ردیف انتشار: ۹۰-۲۶

بها: ۳۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-509-9

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۵۰۹-۹

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست

پیشگفتار.....	نه
نشانه‌های آوانویسی.....	هفده
نمونه دستنویس استاد کیا.....	نوزده
نمونه طرح اولیه.....	سی و دو
متن نامه استاد کیا.....	سی و سه
معرفی اجمالی ۶۷ گویش و سرزمین آنها.....	چهل و یک
فصل اول.....	۱
واژه‌نامه (فارسی - گویش).....	۱
فصل دوم.....	۸۵۹
واژه‌های ویژه.....	۸۵۹
منابع.....	۸۸۹

پیشگفتار

گوش‌شناسی در مفهوم گردآوری علمی واژه‌های گوش‌شناسی، تجزیه و تحلیل آوایی، صرفی، نحوی و معنایی، تهیه واژگان و شناخت زبان مادر، شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که اهمیت و ضرورت آن بر اهل فن پوشیده نیست. گوش‌های محلی به عنوان زبان محاوره‌ای که گروهی از گروه‌های اجتماعی و یا مردم یک روستا یا منطقه بدان ادای مقصود می‌کنند و نیازهای خود را برآورده می‌سازند، خواه اثر مکتوب داشته باشد و خواه فقط زبان محاوره باشد، فی‌نفسه ارزش پژوهشی و توصیف علمی را دارد و در کنار گونه‌های دیگر گوش‌شناسی زبان رسمی یک منطقه می‌تواند در تدوین قواعد تحول و تغییر زبان سودمند و اثرگذار باشد. علاوه بر این در پژوهش‌های گوش‌شناسی سودمندی‌های دیگری نیز هست که لزوم این تحقیقات را تا حد ضرورت افزایش می‌دهد.

۱- گوش‌ها به نسبت زبان رسمی و ادبی، کمتر تحت تأثیر زبانهای دیگر و رسانه‌های گروهی قرار می‌گیرند و روند تحول و تغییر در آنها کندتر است. ویژگی‌های بنیادی را بهتر و بیشتر بازتاب می‌دهند و مواد مطمئن‌تری را برای این منظور در اختیار پژوهشگر می‌گذارند.

۲- گوش‌ها متن‌شناسان را در شناخت واژه‌های کهن فراموش‌شده و شناخت ریشه آنها کمک می‌کنند. ارتباط گوش‌ها و زبان ادبی متون کهن بدان حد است که می‌توان مدعی شد بدون شناخت گوش‌ها یعنی شاخه‌های محاوره‌ای و منطقه‌ای یک زبان پی‌بردن به معنی یا ضبط دقیق برخی از واژه‌های ناشناخته و یا کم‌کاربرد متنها ادبی، دشوار و حتی غیرممکن است.

۳- امروز که سیل واژه‌های جدید از زبان‌های غربی به زبان فارسی سرازیر شده و لزوم معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه به شدت احساس می‌شود، یکی از گنجینه‌های پر مایه‌ای که می‌تواند واژه‌سازان را به یافتن معادل مناسب یاری رساند گردآوری اطلاعات گوش‌شناسی است.

۴- از آنجا که تسلط زبان رسمی از طریق روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون و دیگر وسایل جمعی الکترونیکی و نیز به سبب آشنایی و اصرار گویشوران بر کاربرد زبان رسمی به جای گوش‌ها، عملاً گوش‌های منطقه‌ای را از میان می‌برد یا دست‌کم واژه‌های اصیل و کهن آنها را نابود می‌کند، گردآوری بازمانده گوش‌ها ضرورتی غیرقابل انکار است.

۵- بخشی از فعالیت‌های زبانی هر کشور تهیه اطلس گوش‌شناسی آن است. این کار بی‌شناخت دقیق ویژگی‌های

گویش‌های آن کشور تحقق نمی‌پذیرد.

با توجه به ضرورت‌های یاد شده، امروز بخش قابل ملاحظه‌ای از فعالیت‌های زبان‌شناسی در ایران به گویش‌ها اختصاص دارد و هر چند در قیاس با گذشته در این راه پیشرفت داشته‌ایم اما هنوز به نقطه مطلوب نرسیده‌ایم. استادی که نخستین بار به اهمیت گردآوری علمی گویش‌ها پی برد و با نبود امکانات، به پیروی از عشق و علاقه شخصی، بی‌مدد هیچ دستگاه اداری، کار دشوار گردآوری گویش‌ها را آغاز کرد روانشاد استاد دکتر صادق کیا بود که به حق باید او را پدر گویش‌شناسی^۱ ایرانی نامید. ایشان بجز تدریس گویش‌های ناشناخته ایرانی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتاب ارزشمند «راهنمای گردآوری گویش‌ها» را در سال ۱۳۴۰ انتشار داد که راهنمای سودمندی برای پژوهشگران گویشی در سراسر ایران بود و هنوز هم با تغییر و اصلاح برخی کمبودها که در مقایسه با پیشرفت‌های دانش گویش‌شناسی، امروز محسوس است، تنها اثر مدوّن و سامانمند در این زمینه است. ایشان در طول ریاست فرهنگستان زبان ایران (فرهنگستان دوم) دو اقدام بزرگ برای به سامان رسانیدن پژوهش‌های گویش‌شناسی در ایران برداشت. یکی آنکه با سازمان جغرافیایی ارتش که کار نقشه‌برداری از مناطق مختلف ایران را بر عهده داشت، قراردادی بست که به موجب آن به همراه هر گروه سازمان جغرافیایی یک پژوهشگر تعلیم یافته به همراه یک پرسشنامه زبانی به روستاهای غالباً دور دست اعزام می‌شد و در طول اقامت گروه و مسافرت‌های آن، پرسشنامه مذکور را به همراه نوارهای پرشده از گویشوران تهیه و به فرهنگستان زبان ارسال می‌داشت. گروهی پژوهشگر آشنا به اصول آواشناسی این نوارها را آوانگاری می‌کرد و به همراه پرسشنامه تنظیم شده اطلاعات گویشی منطقه را برای تجزیه و تحلیل دستوری و انتشار آماده می‌کرد. از این طریق مواد گویشی بسیاری فراهم آمده بود که پس از ادغام فرهنگستان با چند سازمان پژوهشی دیگر و قرار گرفتن در شمار سازمانهای تشکیل دهنده مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کنونی) ظاهراً در اختیار سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت و از تملک فرهنگستان خارج شد. اقدام دیگر ایشان آن بود که یادداشتهای شخصی خود را که در طول سالهای کار پیرامون گویش‌ها فراهم کرده بودند به منظور آماده‌سازی برای چاپ و نیز آشنایی بیشتر پژوهشگران با پژوهش‌های گویشی در اختیار پژوهشکده گویش‌شناسی فرهنگستان متشکل از آقایان: نادر جهانگیری، واهه دومانیان، عطاءالله رهبر، احمد شریعتی، محمدرضا مجیدی، پرویز مدیری و نگارنده (همادخت همایون) قرار داد. این دستنویس‌ها شامل: واژگان، پرسش‌های دستوری، جمله‌ها، گفتگوهای روزمره، معدودی داستان، ضرب‌المثل، چیستان و مراسم محلی است. در طول سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۳ واژگان تعدادی از این دستنویس‌ها که نمونه برخی از آنها در صفحات نوزده تا سی و دو این کتاب آمده است به برگیزه‌هایی منتقل شد و پس از الفبایی و پاره‌ای اصلاحات به صورت واژه‌نامه‌ای مستقل تنظیم شد. کار تا این مرحله زیر نظارت شخص استاد روانشاد بود. با تغییر در ساختار فرهنگستان زبان ایران، انتقال برخی از پژوهشگران گروه، انحلال پژوهشکده گویش‌شناسی، عملاً

۱. به نقل از دکتر محمد تقی راشد محصل.

کار گروه متوقف ماند. اما مواد فراهم شده در بایگانی پژوهشی موسسه مطالعات و تحقیقات باقی ماند.^۱ در اواخر سال ۱۳۶۰ به منظور سامان‌دهی کارهای انجام شده استاد کیا و تحقیق مقایسه‌ای در زمینه گویش‌ها و از آنجا که مواد مربوط به برخی از گویش‌ها در آن حد نبود که بتوان مستقل در دفتری جداگانه چاپ کرد پیشنهاد تهیه یک واژه‌نامه از مجموع آنها به مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی داده شد. نگارنده و آقای دکتر دومانیان انجام دادن این طرح را آغاز کردیم. در این مرحله گویش‌هایی که در دستنویس‌ها بود و برگیزه نشده بود به همان روال گذشته برگیزه و الفبایی شد و به مجموعه قبلی اضافه گردید. بدین ترتیب مواد مربوط به هر گویش تفکیک و مشخص شد که در مجموع موادی از ۶۳ گویش از گویش‌های مناطق مختلف ایران است. شیوه کار چنین بود که واژه‌های فارسی معادل واژه‌های گویشی بر حسب ترتیب الفبایی فهرست و صورت‌های گویشی به ترتیب الفبای لاتین در برابر آن آوانویسی شد. اختصار نام گویش‌ها نیز به ترتیب الفبای فارسی در برابر واژه‌های گویشی آورده شد. آگاهی‌های گوناگون درباره مدخل‌ها از جمله: مترادف‌های مدخل‌ها، ریشه برخی واژه‌ها، صورت‌های فارسی میانه، ساختار دستوری، معادل‌های لاتین، صورت‌های مغلو، معربات، صورت‌های مخفف و مصغر، واژه‌های دخیل از زبانهای دیگر نیز در پانویس بدست داده شد. نمونه‌ای از آنها در صفحه سی و دو آمده است. این همکاری تا سال ۱۳۶۷ ادامه یافت و «واژه‌نامه ۶۳ گویش» فراهم شد. اما از آن پس آقای دومانیان به همکاری خود پایان دادند و در نتیجه نگارنده تنها کار را پی گرفت. واژگان چهار گویش باقی مانده را نیز به این مجموعه اضافه کردم. بنابراین واژه‌نامه به ۶۷ گویش تغییر یافت.

در آن هنگام استاد روانشاد در آمریکا اقامت داشتند. پژوهشگاه بخشی از کار انجام شده را برای ملاحظه و تایید ایشان فرستاد و درباره چاپ اثر و رفع برخی از ابهام‌ها از ایشان نظرخواهی کرد. ایشان ضمن اعلام نظر خود درباره اصلاحات و شیوه انتشار اثر موافقت کردند که اصلاحات پیشنهادی پس از تایید جناب دکتر علی محمد حق‌شناس در متن اعمال شود (۳ صفحه سی و سه متن نامه و نوشته ایشان). از آن پس زهر نظر روانشاد استاد علی محمد حق‌شناس این کار پی‌گیری شد و به پایان رسید و بخشی از آن برای چاپ به انتشارات پژوهشگاه فرستاده شده بود که با کمال تأسف استاد حق‌شناس درگذشت و این مقدمه که شایسته بود به وسیله ایشان نوشته می‌شد نیز نانوشته باقی‌ماند. کوشش نگارنده بر آن بوده است که آنچه عرضه می‌شود درست همان نوشته‌ای باشد که مورد نظر استاد روانشاد بوده است.

پیش از آنکه درباره شیوه تنظیم مطالب این مجموعه آگاهی‌های لازم را ارائه دهد، لازم می‌داند به چند نکته اساسی زیر اشاره کند:

۱- تاریخ گردآوری گویش‌ها در یادداشت‌های روانشاد دکتر کیا جز در چهار مورد زیر مشخص نیست:

۱. یادآور می‌شود در آن پژوهشگاه علاوه بر تدوین واژه‌نامه دستنویس‌های استاد، داده‌های گویشی (۸ گویش) شامل واژگان، جملات، پرسش‌های دستوری و متن‌هایی توسط پژوهشگران این بخش گردآوری شد. این گویش‌ها غالباً بر اساس کتاب «راهنمای گردآوری گویش‌ها» جمع‌آوری و واژه‌نامه هر یک جداگانه تدوین شد. برخی از این گویش‌ها بصورت کامل‌تر یعنی علاوه بر واژه‌نامه، ساختار دستوری و آوایی آنها نیز ارائه و طی سالهای اخیر به چاپ رسیده است.

گویش دماوند، سال ۱۳۲۷؛ گویش جوکی یخ‌کش، سال ۱۳۲۸؛ گویش کلیگان، سال ۱۳۳۸؛ گویش یهودیان یزد، سال ۱۳۵۳.

۲- درباره مناطق گویشی در نوشته‌ها آگاهی چندانی داده نشده است. آنچه در نوشته‌ها وجود داشته است بی‌کم و کاست هنگام معرفی آبادی‌ها آمده و تا آنجا که امکان داشته است اطلاعات تکمیلی از مجموعه‌های «فرهنگ جغرافیایی ایران» و چند منبع دیگر را اینجانب تهیه و به متن افزوده است. درباره گویش «کردی جابن» هیچگونه آگاهی مستندی به دست نیامده و نشانه (۴) در برابر آن گذاشته شده است. نیز نشانه اختصاری «کا» در دستنویس به گمان نگارنده و با توجه به گویش‌های یادداشت شده در همان دستنویس به احتمال قریب به یقین «کازرون» است، معهذا نشانه (۴) در مقابل آن گذاشته شده است.

۳- در دستنویس‌ها آنچه به نام گویش اطلاق شده یا به نام سرزمین تعلق دارد، مانند: بندر انزلی، امامزاده عبدالله و یا نام اقوامی است که گویش آنها گردآوری شده است، مانند: یهودیان اصفهان، زردشتیان کرمان، جوکی یخ‌کش، کردی سقز. برای حفظ امانت، این نام‌ها همانگونه که در دستنویس‌ها نوشته شده بود نقل شده است.

۴- برخی آبادی‌های همنام در نقاط مختلف وجود دارد و از نظر نگارنده روشن نبوده است که مواد گویشی استاد مربوط به کدام آبادی است. در این موارد اظهار نظر نشده و در جلوی نام آبادی مشخصات همه آبادیهای همنام آمده، شاید خوانندای بتواند از طریق شناخت واژه‌های گویشی، جایگاه اصلی را مشخص کند.

۵- در یادداشتهای چندگوش، استاد روانشاد توضیحاتی آورده‌اند که عیناً نقل می‌شود:

- در گویش انارک «ز» (Z) مانند «ذال» و «سین» مانند «ث» ادا می‌شود.

- در فرخی (g) و (k) حلقی است. (h) حلقی تر از «ه» فارسی است و نه به شدت عربی.

- در دستنویس گویش‌های لری (بیرانوند، ترکاشوند، سگوند، کولیوند) q مثل «ق» کرمانی و یزدی ادا می‌شود. بنابراین چون این آواها در دستنویس به صورت z, s, k, g, h و q آورده‌اند یا عیناً نقل شده بود نگارنده آن را رعایت کرد.

شیوه تنظیم مطالب واژه‌نامه

این مجموعه علاوه بر مقدمه شامل دو فصل است. فصل اول: واژه‌نامه، فصل دوم: واژه‌های ویژه، واژه‌های مربوط به خرما و مفاهیم در ارتباط با آن و درخت خرما، وزن‌ها و بازی‌ها.

واژه‌نامه به صورت فارسی - گویش تنظیم شده است. برابری گویشی به ترتیب الفبای لاتین و نام گویش‌ها به ترتیب الفبای فارسی ذیل هر مدخل آمده است. برای آوانویسی واژه‌های گویشی حتی‌الامکان از نشانه‌های آوانگاری بین‌المللی استفاده شده است. توضیحات مدخل‌ها علاوه بر دو «فرهنگ فارسی» معین و «لغت‌نامه» دهخدا، از کتاب «راهنمای گردآوری گویش‌ها» بدست داده شده است. در مواردی توضیحات عیناً از دستنویس‌ها آورده شده‌اند. به منظور حفظ امانت، مدخل‌های فارسی به همان صورتی که در دستنویس‌ها ثبت شده بود ارائه گردیده و در برخی موارد واژه‌ای که از مدخل به ذهن نزدیک‌تر است به عنوان مدخل سفید آمده، مانند «آبدنگچی» به معنای «برنج‌کوب»

که برابرهای گویشی ذیل «آبدنگچی» آورده شده و «برنج کوب» به عنوان مدخل سفید به آن ارجاع شده است. به منظور دسترسی سریع تر به واژه‌های مربوط به نام درخت‌ها، صدا و بچه حیوانات، این صورت‌ها با واژه «درخت»، «صدا»، «بچه» و یا «جوجه» نوشته شده‌اند. اما آن دسته از اسامی مذکور که دارای مدخل رایج هستند به همان نام ارجاع شده‌اند و معادل‌های گویشی ذیل مدخل رایج آمده‌اند، مانند: صدای سگ ← پارس، درخت توت ← توت، بچه اسب ← کره اسب. نام حیوانات به ترتیب سن آنها نوشته شده و بنابراین ترتیب الفبائی در این مورد رعایت نشده است.

واژه‌ها تا آنجا که ممکن بود تقطیع تکواژی شدند. نظر به اینکه داده‌های موجود برای این منظور کافی نبود لذا برای تعیین تکواژها گاه از صورت‌های موجود در گویش‌های مجاور در این مجموعه کمک گرفتم تا معین شود که آیا اجزاء یک واژه نیز اعتبار واژه‌ای دارد یا نه، به عنوان مثال برای تشخیص اجزاء واژه *ponjemâl* «اثر دست» افتر، از مقایسه اجزای این صورت با صورت *panje* «پنجه» (فیروزکوه، امامزاده عبدالله) و *mâl* «اثر» (اولار، ساری) کمک گرفته و بر این اساس تصمیم گرفته شد که واژه مزبور به صورت *ponje-mâl* نوشته شود. در مواردی از سایر منابع گویش‌شناسی که به ارائه ساخت کامل این گویش‌ها پرداخته‌اند کمک گرفتم. نام این کتاب‌ها در فهرست منابع آمده است. تکواژها با نشانه - از یکدیگر تفکیک شده‌اند. داده‌های موجود در این مجموعه شامل: کلمات (ساده، مرکب، مشتق)، ترکیبات نحوی، مقلوب‌ها، گروه واژه‌ها، توابع و دوگان‌سازی است. تقطیع تکواژی داده‌های فوق را به صورت زیر انجام داده‌ام.

کلمات مرکب

- همه کلمات مرکبی که در فرایند واژه‌گردانی^۱ کاملاً به واژه تبدیل شده‌اند صرف نظر از آنکه در اصل ترکیب صرفی یا نحوی بوده‌اند، مانند: *mây-mira* «مادر شوهر»، *pesar-vace* «پسر بچه»، *gol-ow* «گلاب»، اما کلمات مرکبی که دستخوش فرایند آوایی شده‌اند تفکیک نشدند، مانند: *mâcolâq* «خر ماده».

- ترکیباتی که شکل مرکب دارند ولی احتمال می‌رود که هنوز کاملاً به واژه تبدیل نشده باشند، مثل: *xâ-mire* «خواهر شوهر»، *pesar-dâi* «پسر دایی».

- جزء اول افعال مرکب و افعالی که از ترکیب یک اسم و صفت با فعل پدید آمده‌اند جدا نوشته شده‌اند، مثل: *ow be-xord-on* «آب خوردن»، *weriša kerd-an* «سوسو زدن».

- مشتقات حاصل از افعال مرکب، مانند: *âxâz-xun* «آوازه خوان»، *tâ-ennâz* «بنداندا».

- مشتقات فعلی چنانچه پایه اشتقاق یا ترکیب دیگری شوند، مانند: *aftow-geray* «آفتاب گرفتگی».

اما مشتقات فعلی که از طریق تغییرات واجی دستخوش فرایند واژه‌گردانی شده‌اند سر هم نوشته شده‌اند، مانند: *güşküf* «گوشت کوب».

کلمات مشتق

- کلمات مشتق، مثل: beras-â «رسیده»، âsud-a «آسوده»، âwâ-i «آبادی».
- پسوندهای مصدری، مثل: pors-a:n «پرسیدن»، xuard-en «خوردن».
- پیشوندهای اشتقاقی، مثل: ber-omi-yan «درآمدن»، dar-ši-yan «در رفتن».
- پیشوندهای تصریفی مثل: be-ras-â «رسیده»، ba-rešt-an «رشتن».
- پیشوندهای تصریفی رایج در برخی گویش‌ها که تفکیک آنها به دلیل فرایند آوایی غالباً دشوار و ناممکن بود تفکیک نشدند، مثل: bangest-en «انداختن».

ترکیبات نحوی

- اگر صورت نحوی ترکیب حفظ شده باشد و لذا عناصر پیوندی نحوی، مثل کسره اضافه و واو عطف و غیره در آنها وجود داشته باشد، مثل: toxm-e-morq «تخم مرغ»، sâxt-o-pâxt ساخت و پاخت.
- اگر با حذف عناصر پیوندی صورت نحوی آن دستخوش تغییر شده باشد، مانند: pesa-dâi «پسردائی»، burma-zâri «گریه و زاری».
- هر کلمه اعم از اینکه مشتق، مرکب یا ترکیب نحوی بوده باشد چنانچه در ترکیبی بزرگتر، پایه قرار گرفته باشد، مانند dumâq-veni-zak «آب بینی».

گروه واژه‌ها

- گروه واژه‌ها مثل: ru-ba-xuar «آفتاب‌گیر».

مقلوب‌ها

- در همه موارد، مثال: mâde-gew «گاو ماده»، nâzu-kote «بچه‌گره».

توابع و دوگان‌سازی

- اجزاء این دسته از واژگان نیز با نشانه - جدا شده‌اند، مانند: deri-veri «دری‌وری»، bâm-bâm «صدای گاو».
- فصل دوم شامل واژه‌های ویژه، واژه‌های مربوط به وزن‌ها، بازی‌ها و مفاهیمی در ارتباط با خرما و درخت خرماست. بخش «واژه‌های ویژه» شامل مفاهیم بدون مدخل و موارد مبهم و مشکوک است. منظور از مفاهیم بدون مدخل مفاهیمی است که برای آنها برابر فارسی یافت نشده است. یعنی یک واژه گویشی در برابر جملات یا عباراتی که بیانگر مفهوم واژه گویشی است قرار دارد، مانند: «نوعی آلوی کوچک و سبز رنگ dhalikak، که زیر عنوان [آلو] نوشته شده است. پیداست که در چنین مواردی آنچه در میان قرار دارد نمایانگر حوزه معنائی است که کلمه مورد بحث به آن تعلق دارد. لذا برای حفظ این‌گونه ترکیب‌ها، نزدیکترین واژه از نظر ارتباط معنائی با آن عبارات را انتخاب

کرده و به ترتیب حروف الفبا دسته‌بندی کردیم و جمله توضیحی را در پانویس آوردیم. نیز «موارد مبهم و مشکوک» آن دسته عبارات یا واژگانی هستند که یا مدخل آنها جزو واژگان چند معنائی‌اند مانند: «ارباب، تخم» و یا واژه گویشی احتمالاً در معنای مدخل پرسیده نشده است، مثل: «مرداب انزلی: daryâ». در مواردی نام گویش مشخص نیست و نمی‌دانیم واژه متعلق به کدام گویش است، مثل: «اسب از کهر روشن‌تر samand» که در اینجا معادل‌های گویشی در برابر نزدیکترین واژه از نظر ارتباط معنائی با این عبارت یعنی [اسب] نوشته شده و به جای نام گویش علامت «؟» گذاشته شده است. چون حذف این مجموعه از واژگان گویشی صحیح به نظر نمی‌رسید، در بخش جداگانه‌ای تحت عنوان «واژه‌های ویژه» نوشته شد تا در آینده مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

بخش خرما به مفاهیمی در ارتباط با خرما و درخت خرما اختصاص دارد. ترتیب تنظیم واژه‌ها در بخش مزبور مشخص شده است.

وزن‌ها براساس افزایش مقدار وزن تنظیم شده‌اند. و از آنجا که واحدهای موجود در هر گویشی ضرورتاً در زبان فارسی معادل مشخصی ندارند ناگزیر بجای مدخل فارسی به ارائه ارزش وزنی آن براساس اوزان رایج در فارسی اکتفا شده است، مثل: [معادل سه‌مقال] nimderem.

در بخش بازی‌ها درباره بازی‌های رایج در برخی گویش‌ها پرداخته شده که این توضیحات عیناً از دستنویس نقل شده است.

زننده یاد دکتر علی محمد حق‌شناس، استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران، این مجموعه را صبورانه مورد بررسی قرار دادند، نظرات اصلاحی و انتقادات سازنده ایشان در همه موارد به ویژه در شیوه ارائه واژه‌نامه و تقطیع ساختوازی بسیار سازنده و مفید بود و موجب رفع بسیاری از مشکلات کار شد. سهم ایشان در ارائه بهتر این کتاب بسیار بزرگ است. روحش شاد و یادش گرامی باد.

جناب آقای دکتر محمدتقی راشد محصل استاد محترم پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه مقدمه و بخش‌های مربوط به آنرا از سر لطف خواندند و پیشنهادهای ارزشمندی ارائه کردند. نیز پی‌گیری‌های مداوم و مجدانه ایشان موجب تسریع در چاپ این کتاب شد. زحمات ایشان موجب سپاس و قدردانی است.

از جناب آقای ناصر زعفرانچی، مدیر محترم انتشارات که دلسوزانه موجبات چاپ این کتاب را فراهم کرده‌اند تشکر می‌کنم.

همادخت همایون

تیرماه ۱۳۸۹